

سبک شناخت کتاب‌های رجالی اهل سنت

مهدی غلامعلی (استادیار گروه حدیث دانشگاه قرآن و حدیث)

mahdigh53@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸)

چکیده:

سبک‌های نگارشی کتاب‌های دانش رجال، نزد اهل سنت بسیار متنوع و از جهت کمی نیز قابل توجه است. دکتر مکی خلیل حمّود، استاد تمام دانشگاه کوفه که این پژوهش، برگردان مقاله «المؤلفات فی علم الرجال الحدیث» اوست بر آن است تا پاسخی به این پرسش ارائه کند که اهل سنت از ابتدای تألیفات رجالی، بر اساس چه سبک‌هایی، کتاب‌های رجالی خود را تألیف کرده‌اند؟ او پس از یک پژوهش کتابخانه‌ای به این نتیجه رسیده است که هشت سبک نگارشی در تألیفات رجالی آنان وجود دارد که عبارتند از: شناخت‌نامه صحابه، طبقات نگاری، جرح و تعدیل، سبک اسامی، کنیه و القاب نویسی، مؤتلف و مختلف نگاری، و فیات نویسی، معجم شیوخ نویسی و تاریخ شهرها. همچنین باید گفت که اولین سبک نگارشی در کتب رجال، سبک شناخت‌نامه صحابه و مهمترین سبک نیز سبک جرح و تعدیل است. متنوع‌ترین گونه‌های فرعی را می‌توان در سبک‌های طبقات و تاریخ شهرها ملاحظه کرد و تنها سبکی که تا عصر حاضر ادامه یافته، سبک معجم شیوخ نویسی است. کلیدواژه‌ها: کتاب‌های رجالی، سبک‌های نگارشی، کتاب‌های رجالی اهل سنت، دکتر مکی خلیل حمّود.

۱- پیش درآمد

نوشتار پیش رو، برگردان فارسی مقاله علمی- پژوهشی «المؤلفات فی علم الرجال الحدیث»^۱ اثر دکتر مکی خلیل حمّود متولد ۱۹۵۷ م و استاد تمام گروه علوم حدیث دانشکده

۱. اصل این مقاله در شماره هفتم فصلنامه علمی پژوهشی «کلیة الفقه» دانشگاه کوفه، صفحات ۲۵۱ تا ۲۶۹ در سال ۲۰۰۸ میلادی با مشخصات «المؤلفات فی علم رجال الحدیث» اثر مکی خلیل حمّود چاپ شده و نگاشته حاضر، برگردان فارسی آن است. برای مشاهده اصل مقاله ن.ک: <https://www.iasj.net/iasj/article/۱۲۰۳۳>.

فقه دانشگاه کوفه است. وی در سال ۲۰۱۴م به درجه استاد تمام دانشگاه کوفه نائل آمد و در حال حاضر استاد تحصیلات تکمیلی روش‌شناسی تحقیقات علمی در آن دانشگاه است. بیشتر آثار وی در علوم حدیث و مطالعات تطبیقی شیعه و سنی است.^۱

ضرورت ترجمه مقاله وی در حوزه کتاب‌شناسی کتاب‌های رجالی اهل سنت، از این رو است که تا کنون مقاله علمی کاملی در این حوزه در مجلات تخصصی دانش حدیث به زبان فارسی تألیف نشده است. البته پیشتر، کتاب دانش رجال از دیدگاه اهل سنت اثر آقای محمدرضا جدیدی‌نژاد، چاپ انتشارات دارالحدیث به گروه‌بندی سبک‌های نگارشی کتب رجالی اهل سنت پرداخته بود. اما به نظر می‌رسد که کار دکتر مکی خلیل حمّود از زوایایی برتر و کامل‌تر است. نخستین برتری این دسته‌بندی، جامع‌نگری نویسنده و افزایش سبک‌های نگارشی است. شماری از این سبک‌ها، اساساً در کتاب دانش رجال از دیدگاه اهل سنت نیامده است. برتری بعدی این پژوهش، تکثیر اسامی کتاب‌ها در هر سبک نگارشی است. این مقاله، اگرچه بیشتر در بردارنده اسامی کتاب‌هاست و کمتر تحلیل در آن به چشم می‌خورد؛ اما کشف این تعداد کتاب رجالی نشان از پژوهش گسترده نویسنده دارد.

به جهت رعایت امانت، در بازگردان مقاله از عربی به فارسی غیر از تیرهای فرعی، هیچ‌گونه تصرفی در متن مقاله نشده است. در مواردی که نیاز به توضیح دیده شده، در پانوشت، توضیحات مختصری آورده شده است.

۲- درآمد

تردید نیست که هر دانشی در آغاز پیدایش، بسیار بسیط و آسان بوده است. اما پس از چندی، توسعه یافته تا جایی که امروزه تألیفات مهم و بزرگی را در تمام دانش‌ها شاهد هستیم. دانش رجال الحدیث نیز در آغاز پیدایش حدیث نبوی شریف، صرفاً برای اطمینان به راوی شکل گرفت تا از صحّت روایت وی به صحّت حدیث رسول کریم ﷺ پی برده شود.

۱. دکتر مکی خلیل حمّود از مقطع کارشناسی تا دکترا را در دانشگاه بغداد گذرانده است. مقطع ارشد را در رشته تاریخ اسلامی و دکترا را در رشته فلسفه تاریخ اسلامی سپری کرده است. برای اطلاع بیشتر ن.ک: سایت رسمی دانشگاه کوفه و https://www.shiaaaweb.com/۲۰۲۱/۱۲/blog-post_۱۷۰.html.

اما پس از مدتی، دانشمندان به تألیف کتاب‌های ویژه‌ای در دانش رجال روی آوردند. مؤلفان با دیدگاه‌های مختلف و میزان دانش خود اسلوب‌های متنوع و سبک‌های گوناگونی را در چگونگی تبویب و تنظیم تألیفات رجالی بنیان نهادند.

گروهی از مؤلفان، کتاب‌های خود را ویژه اسامی صحابه تألیف کردند. آنها در این کتاب‌ها، شناخت‌نامه صحابه اعم از: تبیین زندگانی، سیره‌های اخلاقی و همراهی با پیامبر خدا در جنگ‌ها را به رشته تحریر درآوردند. هدف اینگونه کتاب‌ها این است که صحابه از غیر صحابه تمیز داده شود و البته این فایده بسیار ارزشمندی است.

گروهی دیگر از نویسندگان کتاب‌های رجالی، تألیفات خود را به معرفی‌نامه صحابه و تابعین اختصاص دادند و بین صحابه و تابعین، تفاوت گذاشته و آنها را از یکدیگر تفکیک کردند تا بین این دو گروه برای خوانندگان خلط نشود. چرا که هر کدام از این گروه‌ها، صحابه و تابعین، دارای احکام خاصی در مباحث علوم اسلامی هستند.

گروه دیگری از رجال‌پژوهان، کتاب‌های خود را به تفکیک بین راویان ثقه، ضعیف و متروکین اختصاص داده‌اند. میان اینگونه آثار، گاه یک کتاب صرفاً برای ذکر اسامی راویان مورد اطمینان و ثقه سامان یافته است.

جمعی دیگر از نویسندگان رجالی، راویان مُدَلَّس، ضعیف و متروک را در یک کتاب گرد آورده‌اند تا ضمن آسان‌یاب بودن، احوال آنان به راحتی قابل مطالعه و تحقیق باشد. بدین‌سان در گذر زمان، اسلوب‌ها و سبک‌های مختلف کتاب‌های رجالی از حیث گوناگونی محتوا و ساختار پدید آمد. امروزه می‌توانیم کتاب‌های رجالی را بر اساس سبک‌های نگارشی در هشت گروه تقسیم کنیم.^۱ در ادامه با سبک‌های هشت‌گانه کتاب‌های رجالی اهل سنت آشنا می‌شویم:

۳- سبک اول: شناخت‌نامه صحابه

کتاب‌های شناخت‌نامه صحابه، ضمن گردآوری اسامی یاران پیامبر خدا به تحلیل و بررسی

۱. دسته‌بندی مصادر رجالی کتاب دانش رجال از دیدگاه اهل سنت، با آنچه مؤلف مقاله بیان کرده، متفاوت است. در آن کتاب، گونه‌های مصادر رجالی در هفت گروه تقسیم شده است که عبارتند از: کتاب‌های شناخت صحابیان، طبقات، جامع راویان ثقه و ضعیف، خاص ضعفا، خاص ثقات، جوامع روایی و رجال شهرها. به نظر می‌رسد دسته‌بندی دکتر مکی خلیل حمود برتر و اعم از آنها باشد.

انساب، سیره‌های اخلاقی و اخبار همراهی با آن حضرت می‌پردازند.

به طور کلی، این کتاب‌ها اطلاعات زیر را دربردارند:

هویت صحابی: اسم، کنیه، لقب و نسب.

سیرت: اخلاق و ویژگی‌های شخصیتی راوی.

اخبار جهاد صحابی: اطلاعات مربوط به همراهی با پیامبر ﷺ در غزوات و وقایع یا

نبردهایی که به صورت سریّه بوده و حضرت در آنها حضور نداشته است.

۳-۱- تعریف صحابه

شایسته است به این نکته مهم اشاره شود که بیشتر مؤلفان کتاب‌های شناخت‌نامه صحابه در

«تعریف و مفهوم صحابه» و «تعیین مقدار صحبت و همراهی با پیامبر خدا» با یکدیگر هم

داستان نیستند. تا جایی که برخی از اصحاب حدیث این مفهوم را اینگونه توسعه داده‌اند:

«كُلُّ مَنْ رَوَى عَنِ النَّبِيِّ ﷺ حَدِيثًا أَوْ كَلِمَةً، أَوْ مَنْ رَأَهُ رُؤْيَةً، مِنَ الصَّحَابَةِ؛ هر کسی که از

پیامبر حدیثی یا کلمه‌ای را روایت کند و یا آن حضرت را یک بار دیده باشد، در شمار صحابه

است»^۱.

اکثر قریب به اتفاق کتاب‌های شناخت‌نامه صحابه، بر همین تعریف هم‌داستان شده‌اند.

بایسته است که به این نکته نیز اشاره شود که کتاب‌های شناخت‌نامه صحابه در تعیین صحابی

بودن افراد با یکدیگر اختلاف دارند. گاه، فردی از نظر ابن عبدالبرّ (م ۴۶۳ق) صحابی به شمار

می‌آید و حال آنکه هم‌اکنون از نظر ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق) صحابی نیست. این تفاوت

دیدگاه‌ها به دو جهت است: نخست، کمبود اطلاعات درباره صحابه و دوم، تشابه اسامی و

القاب متفاوت صحابه.

۱. در تعریف صحابه نزد اهل سنت اختلافاتی گزارش شده است و در مقدمه بسیاری از کتاب‌های شناخت‌نامه

صحابه، نویسندگان یا محققان به آنها اشاره کرده‌اند. تعریف مشهور چنین است: «من لقی النبی مؤمناً و مات علی

الاسلام». اما بین محدّثان و اصولیان درباره مدت همراهی و مصاحبت با پیامبر ﷺ تفاوت تعریف دیده می‌شود.

اصولیین چنین تعریف می‌کنند: «کل من لقی الرّسول مؤمناً به و لازمه زمناً طویلاً» و در مقابل محدّثین

می‌گویند: «کل من لقی النبی مسلماً و مات علی اسلامه سواء طالت صحبتته أم لم تطل». (مترجم).

۳-۲- اولین سبک نگارشی

به نظر می‌رسد از جهت تاریخی تألیف کتب رجالی با کتب شناخت‌نامه صحابه آغاز شده باشد. آثار این سبک نگارشی با عناوینی چون «الصحابة»، «الأصحاب» یا «اصحاب رسول الله ﷺ» پدیدار گشت. اکنون می‌توانیم شماری از اسامی نویسندگان سبک شناخت‌نامه صحابه را به ترتیب زمانی نام ببریم. لازم به یادآوری است که نمی‌توان تمام اسامی نویسندگان این سبک را در این مقاله کوتاه نام برد؛ ولی شماری از مشاهیر این سبک قابل ذکرند:^۱

ابو عبیده معمر بن مثنی (م ۲۰۸ق)

عبدالله محمد بَعَوی (م ۲۱۰ق)

محمد بن سعد کاتب واقدی (م ۲۳۰ق)

خلیفة بن خیاط صفری (م ۲۴۰ق)

یعقوب بن سفیان فسوی (م ۲۷۷ق)

علی بن مدینی (م ۲۳۳ق) در بخشی از کتابش موسوم به معرفة من نزل من الصحابة سائر البلدان.

محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ق)

محمد بن عیسی بن سوره ترمذی (م ۲۷۹ق)

عبدالله بن محمد مروزی ملقب به عیدان (م ۲۹۳ق)

عبدالصمد بن سعید حمصی (م ۳۲۴ق)

ابو الحسین بن قانع اموی (م ۳۵۱ق)

محمد بن حبان بستی (م ۳۵۴ق)

عبدالله به عدی جرجانی (م ۳۶۵ق)

محمد بن اسحاق بن محمد بن مندة (م ۳۹۵ق)

ابو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م ۴۳۰ق)

۱. برای گردآوری این اسامی از منابع زیر استفاده شده است: الإصابة في تمييز الصحابة، ج ۱، ص ۶۹ و ص ۱۲۵ و ج ۳ ص ۴۵۷ و ج ۵ ص ۱۵۹؛ الإعلان بالتوبيخ لمن ذم التاريخ، ص ۵۴۴؛ تاریخ الأدب العربی، بروکلیمان، کارل، ج ۳ (الفهرست)؛ تاریخ التراث العربی، فواد سزگین، ج ۱، ص ۴۰۴-۴۰۶.

یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبرّ قرطبی (م ۴۶۳ق)
 احمد بن علی بن ثابت مشهور به خطیب بغدادی (م ۴۶۳ق)
 حسین بن محمد غسانی (م ۴۹۸ق)
 علی بن محمد شیبانی معروف به ابن اثیر (م ۶۳۰ق)
 محمد بن احمد عثمان ذهبی (م ۷۴۸ق)
 احمد بن علی بن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق)

بسیاری از نویسندگان سبک شناخت نامه صحابه، کتب مستقلی را ویژه صحابه نوشته‌اند و یا بخش‌هایی از کتاب‌های خود را به یادکرد اسامی صحابه و تابعین اختصاص داده‌اند. حال این اسامی، گاه در مجموعه‌های ویژه زندگی نامه‌های عموم صحابه آمده است و گاه در ضمن یادکرد شهرها و یا نسب‌نامه‌ها قابل مشاهده‌اند.

اگر با یک نگاه پژوهشی به لیست اسامی مصنفات کتاب‌های شناخت نامه صحابه بنگریم، در می‌یابیم که تنها بخش اندکی از آن آثار تا به امروز باقیمانده و بیشترشان به دست ما نرسیده است.

امروزه، اهتمام پژوهشگران و تاریخ‌پژوهان برای شناخت صحابه گرامی پیامبر ﷺ در رجوع به آثار زیر منحصر شده است:

الطبقات الکبری، اثر محمد بن سعد (م ۲۳۰ق)
 الطبقات، اثر خلیفه بن خیاط (م ۲۴۰ق)
 معجم الصحابة، اثر عبدالباقی بن قانع بن مرزوق اموی (م ۳۵۱ق)
 الإستیعاب فی معرفة الأصحاب، اثر ابن عبدالبرّ قرطبی (م ۴۶۳ق)
 أسد الغابة فی معرفة الصحابة، اثر علی بن محمد (م ۶۳۰ق)
 تجرید اسماء الصحابة، اثر شمس‌الدین ذهبی محمد بن احمد بن عثمان (م ۷۴۸ق)
 الإصابة فی تمييز الصحابة، اثر شهاب‌الدین احمد بن علی بن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق)

۴- سبک دوم: طبقات نگاری

بسیاری از مؤلفان کتب رجالی، کتاب‌های خود را بر اساس طبقات راویان تنظیم کرده‌اند. کتاب‌های تدوین شده به سبک طبقات، دو فایده مهم را دربردارد: نخست، امکان تمییز بین

صحابه و غیر صحابه و دوّم، آسان‌یاب کردن شناسایی بزرگان حدیث برای جستجوگر.

۴-۱- گونه‌شناسی طبقات‌نگاری

[کتاب‌های طبقات، بسیار متنوع بوده و دارای گونه‌های مختلفی است. عناصری چون: جغرافیا، مذهب و نظایر آنها سبب به وجود آمدن کتاب‌های طبقات با رویکردهای مختلف و دامنه‌های متفاوت شده است. با برخی از گونه‌های طبقات‌نگاری آشنا می‌شویم:]^۱

الف) طبقات منطقه‌محور

شماری از رجالیان، کتاب‌های طبقات خود را ویژه مطلق محدّثان یا محدّثان یک منطقه نگاشته‌اند. برخی از ایشان عبارتند از:

مسلمة بن قاسم اندلسی (م ۳۵۳ق) نویسنده کتاب طبقات المحدثین؛

ابو الشیخ محمّد بن احمد انصاری (م ۳۶۹ق) نویسنده کتاب طبقات المحدثین باصبهان؛

ابو الفضل صالح بن احمد تمیمی همدانی (م ۳۸۴ق) نویسنده کتاب طبقات الهمدانیین؛

ابوالقاسم عبدالرحمن بن فنّدة (م ۴۷۰ق) صاحب کتاب طبقات المحدثین.

ب) طبقات مذهب‌محور

جمعی دیگر از طبقات‌نگاران، عنصر «مذهب» را در طبقات، دخالت داده و به طبقات‌نگاری مذهبی برای یادکرد نویسندگان، بزرگان و یا محدّثان یک مذهب پرداخته‌اند. به عنوان نمونه کتاب‌های زیر به همین سبک نگاشته شده‌اند:

طبقات الحنابلة، اثر ابن ابی‌یعلیٰ فراء (م ۵۲۶ق).

طبقات الشافعیّة، اثر شماری از مؤلّفان که کتاب‌هایی با همین عنوان داشته‌اند: جمال‌الدّین

اسنوی (م ۷۷۲ق)؛ ابواسحاق ابراهیم بن علی شیرازی (م ۴۷۶ق)؛ تاج‌الدّین عبدالوّهّاب

سبکی (م ۷۷۱ق)؛ قطب‌الدّین خیضری (قرن ۹) و ...

طبقات الحنفیّة، اثر جمعی از مؤلّفان مانند: ابوالوفاء عبدالقادر قرشی (م ۷۷۵ق)؛ شیخ

تقی‌الدّین بن عبدالقادر تمیمی (م ۱۰۱۰ق)؛ محمود بن سلیمان کُفوی (م ۹۹۰ق) و ...

۱. متن داخل قلاب [] از مترجم است.

طبقات المالکية، اثر قاضی عیاض اندلسی (م ۵۴۴ق).
الدیباج المذهب فی معرفة اعیان المذهب، اثر ابن فرحون عبداللہ بن محمد (م ۷۶۹ق) (در
طبقات المالکية)

ج) طبقات دانش محور

سپس طبقات نگاری وارد مرحله جدیدی شد و به علوم و فنون دیگری نیز سرایت کرد. به عنوان نمونه کتاب‌هایی با عناوین زیر تألیف شد که طبقات را در دانش‌های مختلف تبیین می‌کرد. مانند کتاب‌هایی با عناوین طبقات الحفاظ، طبقات الشعراء، طبقات النحاة اللغویین، طبقات التّساین، طبقات الأصولیین و طبقات الفقهاء و المجتهدین.

۴-۲- ساختار کتاب‌های طبقات

ساختار کتاب‌های طبقات معمولاً به یکی از این دو شیوه است:
ترتیب الفبایی: تمام کتاب‌های طبقات که در دوره متأخر تألیف شده‌اند، اسامی بزرگان را به ترتیب الفبایی تنظیم کرده‌اند تا به راحتی اسامی ایشان در مراجعات یافت شود.
ترتیب زمانی: بخشی دیگر از کتاب‌های طبقات براساس زمان و تاریخ اعلام، تنظیم و باب‌بندی شده است. مانند کتاب طبقات الحفاظ که به ترتیب زمان، زندگی‌نامه افراد آمده است.

در بیشتر کتاب‌های طبقات محدّثین، بین صحابه و غیر صحابه تفکیک شده است. این تفکیک‌ها به گونه‌های مختلف است: گاه، طبقات بین صحابه و تابعین است؛ گاه، تبویب بین صحابه، تابعین و تابعان تابعین است و گاه، تنظیم باب‌ها بین صحابه و بقیه اعلام و بزرگان است.

۴-۳- اطلاعات در کتاب‌های طبقات

اما از جهت محتوایی در کتاب‌های طبقات، شاهد این مطالب هستیم: اسامی رجال، بیان سیره، نقد و بررسی روایات ایشان، تبیین اسامی مشابه، القاب و انساب، جایگاه راوی از حیث توثیق و تضعیف (مستند به کتاب‌های جرح و تعدیل) و درستی راوی و بیان صحت یا عدم صحت روایت.

۴-۴- مهمترین طبقات نگاران

مهمترین نویسندگان عرصه سبک طبقات، اعمّ از نگاه‌های مستقل یا در ضمن دیگر کتاب‌ها، عبارتند از:

محمد بن عمر واقدی (م ۲۰۷ق) نویسنده کتاب الطّبقات؛

الهیثم بن عدی (م ۲۰۷ق) نویسنده کتاب‌های طبقات من روی عن رسول الله ﷺ و طبقات الفقهاء و المحدثین؛

محمد بن سعد کاتب واقدی (م ۲۳۰ق) صاحب کتاب الطّبقات الکبیر؛

علی بن مدائنی (م ۲۳۳ق) نویسنده کتاب الطّبقات؛

خلیفة بن خیاط صفری (م ۲۴۰ق) نویسنده کتاب الطّبقات؛

مسلم بن حجّاج (م ۲۶۱ق) نویسنده کتاب الطّبقات؛

أبو حاتم محمد بن ادريس رازی (م ۲۷۷ق) نویسنده کتاب طبقات التابعین؛

احمد بن هارون برذعی بردیجی (م ۳۰۱ق) نویسنده کتاب الطّبقات فی الأسماء المفردة من أسماء العلماء و اصحاب الحديث؛

محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ق)، در بخشی از کتاب ذیل المذیل من تاریخ الصحابة و التابعین.

۵- سبک سوم: جرح و تعدیل

دانش جرح و تعدیل درباره احوال راویان، از حیث ضعف، قوت و توثیق ایشان بحث می‌کند. از این رو اصطلاحات دقیقی را نویسندگان این سبک نگارشی برای تأکید بر صداقت یا عدم صداقت راویان وضع کرده‌اند. این اصطلاحات، محوری شده است تا با آنها متون احادیث نقد شود و یا سلسله راویان سند بررسی شود تا بدین سان به صحّت روایت و یا سند پی برده شود و بر اساس حدیث صحیح است که احکام شرعیه صادر می‌شود.

۵-۱- اهمیّت الفاظ و معیارهای جرح و تعدیل

بدین سان عالمان این فن در پذیرش روایات بسیاری از راویان توقف می‌کنند. چرا که اسبابی از جرح در آنها وجود دارد که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت و روایات ایشان را پذیرفت.

باید توجه داشت که پذیرش مجموعه روایاتِ راویان، بدون بررسی وضعیّت جرح و تعدیل ایشان، سبب گشودن بابی می‌شود که نتوان بر آن تسلّط یافت. چه اینکه به واسطه آن روایات بی اعتبار نیز وارد چرخه آموزه‌های دینی می‌شود. به ویژه روایات اعتقادی و فقهی دین مبین اسلام. از این رو معیارهای علمای جرح و تعدیل بسیار شدید و محکم است و تساهل و سستی در این معیارها راه ندارد.

گاه، راوی، جایگاه و منزلتی ویژه در جامعه دارد ولی می‌بینیم بسیاری از رجالیان، وی را تضعیف کرده و یا متهم می‌کنند به عدم وثاقت، تدلیس، کذب، تزویر، اختلاط، شیخوخیت، ثقل سامعه و دیگر عیب‌هایی که مانع از پذیرش روایاتش می‌شود.

همچنین از مشکلات دانش جرح و تعدیل این است که گاه یک اصطلاح بین دو رجالی، دو مفهوم متباین و متضاد دارد. به عنوان نمونه می‌بینیم که یحیی بن معین (م ۲۳۳ق) بر خلاف دیگر محدّثان اصطلاح «لا بأس به» را برابر با اصطلاح «ثقة» به کار می‌برد.

همچنین گاهی ملاحظه می‌کنیم یک رجالی از اصطلاح «حجّة» و رجالی دیگر از اصطلاح «صدوق» برای راوی استفاده می‌کنند. بخشی از مصطلحات پرکاربرد در این دانش عبارتند از: «ثقة»، «حجّة»، «ثبّت»، «ضعیف»، «کذاب»، «متروک»، «لیس بشیء»، «غیر صالح»، «له اوهام».

۵-۲- ساختار کتاب‌های جرح و تعدیل

کتاب‌های جرح و تعدیل به سه شیوه نگاشته شده‌اند:

۵-۲-۱- شیوه اول: کتاب‌های ثقات

کتاب‌های ثقات، کتاب‌های ویژه معرفی راویان ثقه و مورد اعتماد هستند. نویسندگان در این کتاب‌ها، تنها به شرح حال راویان ثقه پرداخته و از ذکر دیگر راویان خودداری کرده‌اند. شماری از کسانی که کتاب ویژه اسامی راویان ثقه (الثقة) نگاشته‌اند، عبارتند از:

احمد بن عبدالله بن صالح عجلی (م ۲۶۱ق)

محمّد بن احمد تمیمی ابوالعرب (م ۳۳۳ق)

محمّد بن احمد بن حبان بُستی (م ۳۵۴ق)

عمر بن احمد بن شاهین واعظ (م ۳۸۵ق)

۵-۲-۲- شیوه دوم: کتاب‌های ضعفاء

کتاب‌های ضعفاء، کتاب‌های ویژه راویان ضعیف هستند. نویسندگان در این کتاب‌ها تنها به شرح حال راویان ضعیف پرداخته‌اند.

کسانی که کتاب ویژه اسامی راویان ضعیف (الضعفاء) نگاشته‌اند:

یحیی بن معین (م ۲۳۳ق)

علی بن مدائنی (م ۲۳۴ق)

محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ق)

ابراهیم بن یعقوب جوزانی (م ۲۵۹ق)

سعید بن عمرو برذعی (م ۲۹۲ق)

احمد بن علی بن شعیب نسائی (م ۳۰۳ق)

محمد بن احمد حمّاد دولابی (م ۳۲۰ق)

محمد بن عمرو عقیلی ابوجعفر (م ۳۲۲ق)

محمد بن احمد بن حبان بُستی (م ۳۵۴ق)

عبدالله بن عدی جرجانی (م ۳۶۵ق)

علی بن عمر دارقطنی (م ۳۸۵ق)

محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ق)

احمد بن عبدالله ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ق)

۵-۲-۳- شیوه سوم: کتاب‌های جامع ثقات و ضعفاء

نویسندگان در کتاب‌های جامع راویان ثقه و ضعیف، بین دو شیوه قبل جمع کرده‌اند. نویسندگانی که در کتاب خود اسامی راویان ثقه و ضعیف (الثقة و الضعفاء) را یکجا آورده‌اند، عبارتند از:

محمد بن سعد کاتب واقدی (م ۲۳۰ق)

- یحیی بن معین (م ۲۳۳ق)
 احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق)
 محمّد بن عبدالله بن عمار موصلی (م ۲۴۲ق)
 محمّد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ق)
 ابراهیم بن یعقوب جوزجانی (م ۲۵۹ق)
 احمد بن عبدالله بن صالح عجلی (م ۲۶۱ق)
 مسلم بن حجاج نیشابوری (م ۲۶۱ق)
 احمد بن علی بن شعیب نسائی (م ۳۰۳ق)
 عبدالله بن احمد بن محمود بلخی (م ۳۱۷ق)
 عبدالرحمن بن ابی حاتم رازی (م ۳۲۷ق)
 محمّد بن احمد بن حبان بُستی (م ۳۵۴ق)
 علی بن عمر دارقطنی (م ۳۸۵ق)
 خلیل بن عبدالله خلیلی (م ۴۴۶ق)

بایسته است به این نکته مهم توجه شود که احکام کتاب‌های جرح و تعدیل، منحصر به پایان قرن پنجم یا ابتدای قرن ششم می‌باشد. چرا که مهم‌ترین کتاب‌های حدیثی معروف تا این تاریخ تدوین شده و بازشناسی راویان آنها نیز متوقف به همین دوره زمانی است. عقلایی نیست که فردی در قرن هفتم حدیثی را بیان کند که سندی در کتاب‌های معتمد پیشین نداشته باشد و با این حال روایت وی تصدیق شود و به اسناد جدید وی بعد از این زمان طولانی اعتماد شود!

۶- سبک چهارم: اسامی، کنیه و القاب نویسی (الأسماء والکنی والألقاب)

در کتاب‌های احادیث نبوی شریف، اسامی بسیاری از راویان و محدّثان به صورت مختصر و کوتاه آمده است. گاه نویسندگان، تنها به ذکر اسم راوی یا لقب و یا کنیه وی بسنده کرده و از آوردن اسم کامل راوی یا محدّث خودداری کرده‌اند.

دلیل و عذر نویسندگان کتب حدیثی پیشین در اختصارنویسی اسامی راویان و محدّثان این بوده است که زمان نگارش کتاب‌ها به عصر صدور روایت نزدیک بوده و مردم با اسامی راویان

آشنا بودند. یا اینکه مردم آن دوران از حافظه‌های قوی بهره‌مند بودند از این رو بر حافظه خود تکیه می‌کردند.

بنابر آنچه گذشت، فراوانی راویان حدیث و تشابه اسمی و نسبی ایشان، سبب وقوع اشتباه در تمییز راویان و تفصیل بین اسامی و نسب‌های شبیه به یکدیگر می‌شد. بنابراین نیاز به تألیف کتاب‌هایی بود تا این مشکل را حل کنند و سبب شوند که بین یک راوی و راوی دیگر بر اساس یک روش پایدار و استوار، فرق گذاشته شود و بدین ترتیب اشکالاتی از این دست را برطرف کنند.

گروهی از علما و دانشمندان، کتاب‌های ارزشمندی را برای یاری‌رسانی به پژوهشگران در این زمینه تدوین کردند تا با کمترین زمان به بازشناسی راویان موجود در اسناد بپردازند.

شماری از آثار تدوین شده به این سبک عبارتند از:

کتاب الکنی، علی بن مدائنی (م ۲۳۴ق)

الأسماء و الکنی، احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق)

الکنی، محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ق)

الکنی و الأسماء، مسلم بن حجاج نیشابوری (م ۲۶۱ق)

أسماء المحدثین و کُناهم، محمد بن احمد مقدسی (م ۳۰۱ق)

الکنی، احمد بن علی بن شعیب نسائی (م ۳۰۳ق)

الکنی و الأسماء، أبو بشر محمد بن احمد حماد دولابی (م ۳۲۰ق)

اسامی من يعرف بالکنی، محمد بن احمد بن حبان بُستی (م ۳۵۴ق)

کُنَى من يعرف بالأسماء، محمد بن احمد بن حبان بُستی (م ۳۵۴ق)

تسمية من وافق اسمه اسم ابيه من الصحابة والتابعين و من بعدهم من المحدثين، محمد

بن حسین آزدی (م ۳۶۷ق)

مجمع الآداب فی معجم الأسماء و الألقاب، ابو ولید بن قرصی (م ۴۰۳ق)

الکنی و الألقاب، أبو عبدالله حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ق)

الألقاب و الکنی، احمد بن عبدالرحمن شیرازی (م ۴۱۱ق)

منتهی الکمال فی معرفة ألقاب الرجال، علی بن حسین فکلی (م ۴۲۷ق).

۷- سبک پنجم: مُؤْتَلَف و مُخْتَلَف نگاری^۱

کتاب‌هایی که به این سبک نگاشته شده‌اند، بین راویان و محدثانی که به جهت شباهت اسامی یا القاب و یا نَسَب و کنیه با یکدیگر تشابه دارند، فرق می‌گذارند. هدف اینگونه کتاب‌ها، دفع اشتباه و جلوگیری محدثان از افتادن در ورطه خطا در بازشناسی رجال حدیث است. از مهم‌ترین کتاب‌ها به این سبک می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

المُؤْتَلَف و المُنْخْتَلَف، علی بن عمر دارقطنی (م ۳۸۵ق)

المُؤْتَلَف و المُنْخْتَلَف و مُشْتَبِه النَّسَبَة، ابولید عبدالله بن محمد قرطبی بن قرضی (م

۴۰۳ق)

مُشْتَبِه النَّسَبَة، عبدالغنی بن سعید ازدی (م ۴۰۴ ق)

المُؤْتَلَف و المُنْخْتَلَف فی اسماء الرجال، عبدالغنی بن سعید ازدی (م ۴۰۴ ق)

المُؤْتَلَف و المُنْخْتَلَف، أبوسعید احمد بن محمد مالینی (م ۴۱۲ق)

المُؤْتَلَف تکملة المختلف، احمد بن علی بن ثابت خطیب بغدادی (م ۴۶۳ق)

الإكمال فی دفع الإرتیاب عن المؤتلف و المختلف من الأسماء و الكنى و الألقاب، امیر

ابونصر ابن ماکولا بغدادی (م ۴۷۵ق)

تقیید المهمل و تمييز المشکل، حسین بن محمد بن احمد غسانی (م ۴۹۸ق)

المُؤْتَلَف و المُنْخْتَلَف من الأسماء، ابوالفضل محمد بن طاهر مقدسی (م ۵۰۷ق).

۸- سبک ششم: وفيات نویسی^۲ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کتاب‌های وفيات، آثاری هستند که اساس آنها بر تعیین زمان وفات شخصیت‌ها شکل گرفته است. البته نویسندگان کتاب‌های وفيات، معمولاً شرح حال مختصری از افراد را نیز بیان می‌کنند که شامل این مطالب است: نام کامل راوی، سال ولادت، اساتیدی که دانش را از او فرا

۱. ن.ک: تاریخ الأدب العربی، بروکلیمان، کارل؛ ج ۳ ص ۲۹۹؛ تاریخ التراث العربی، ج ۱ ص ۵۳۰؛ معجم المطبوعات العربیة، الفهارس.

۲. نگاه کن: الإعلان بالتویخ لمن ذم التاريخ، ص ۳۳۲؛ الوفيات و أهميتها في دراسة التاريخ الإسلامي، دکتر بشّار عواد، مجله دانشکده دراسات اسلامیة، ش ۲، ص ۱۹۶۸.

گرفته است، شاگردانی که نزد وی تحصیل کرده‌اند، جایگاه اجتماعی، مناصب علمی، قضائی و آثار تألیفی.

این سبک نگارشی نزد علمای حدیث نبوی شریف، مورخان و علمای جرح و تعدیل بسیار حائز اهمیت است. دلیل این اهمیت آن است که با دانستن تاریخ وفات راوی و محدوده سن وی به راحتی می‌توان صحت سماع احادیث وی را بررسی کرد و چنانچه راوی در تاریخ استماع به غلط تاریخی را بیان کرده باشد نمی‌توان به وی اعتماد و از او اخذ حدیث کرد.

به عنوان مثال وقتی ما می‌دانیم که تاریخ وفات امام احمد بن علی بن شعیب نسایی، سال ۳۰۳ هجری قمری است، ممکن نیست یکی از روایان بگوید: «أنا سمعتُ من الإمام النسائي سنة خمس و ثلاث مئة؛ من در سال ۳۰۵ هجری قمری از امام نسایی حدیث شنیدم». چرا که مردم تاریخ وفات نسائی را می‌دانند و سخن وی را نمی‌پذیرند.

دو نکته: اولاً، شرط بیان تاریخ وفات، اساس و عنصر اصلی در شرح حال‌نگاری است و ثانیاً، این شرط در نقد و بررسی و راستی‌آزمایی روایت کردن محدثان مؤثر است.

شماری از کتاب‌های وفيات عبارتند از:

الوفیات، عبدالباقي بن قانع بغدادی (۳۵۱ق)

تاریخ موالید العلماء و وفیاتهم، محمد بن عبدالله بن زبر ربیع دمشقی (۳۷۹ق)

السابق و اللاحق فی تباعد ما بین وفاة الراویین عن شیخ واحد، امام احمد بن علی بن ثابت خطیب بغدادی (۴۶۳ق)

الذیل علی وفيات ابن زبر، عبدالعزيز بن احمد کتانی دمشقی (۴۶۶ق)

الوفیات، ابو القاسم عبدالرحمن بن مندة (۴۷۰ق)

الوفیات یا جامع الوفيات، هبة الله بن احمد اکفانی (۵۲۴ق)

وفیات الثقله، علی بن مفضل مقدسی اسکندرانی (۶۱۱ق)

التکملة لوفیات الثقله، زکی الدین عبدالعظیم بن عبدالقوی منذری (۶۵۶ق)

صلة التکملة لوفیات الثقله، عزالدین احمد بن محمد بن عبدالرحمن حسینی مصری (م)

(۶۹۵ق).

۹- سبک هفتم: معجم شیوخ نویسی

در کتاب‌های این سبک نگارشی، نویسنده، اسامی نویسندگان خود را به ترتیب ویژه‌ای (الفبایی یا تاریخی) مرتب کرده و به دنبال نام هریک، روایتی از وی را بیان می‌کند. اینگونه نگارش، برخاسته از اهتمام علما در قرون متمادی است. به ویژه عالمانی که نزد اساتید، بسیار رفت و آمد داشته و در حلقات درس و سماع حدیث بسیار شرکت داشته‌اند. گاهی اهتمام علمی راویان از جهت گونه‌های علمی متنوع بوده و همین سبب تنوع در اندیشه‌ها شده است. این اندیشه‌های مختلف در درس‌های حدیث، فقه، ادبیات عرب، موسیقی، ریاضیات و ... حاصل می‌شده است و سبب تنوع اساتید و شیوخی می‌شده که از آنها دانش را فرا می‌گرفتند.

نویسندگان کتاب‌های معاجم الشیوخ، اسامی اساتید خود را غالباً براساس حروف الفبا تنظیم کرده‌اند و البته گاهی نیز براساس زمان سماع و یا سال وفات ایشان مرتب کرده‌اند. از جمله کسانی که معاجم شیوخ نوشته‌اند عبارتند از:

احمد بن علی بن شعیب نسائی (م ۳۰۳ق)

عبدالله بن محمد بن عبدالعزیز بغوی (م ۳۱۷ق)

محمد بن مخلد دوری عطار (م ۳۳۱ق)

ابراهیم بن محمد بن حمزه اصفهانی (م ۳۵۳ق)

عبدالله بن عدی جرجانی (م ۳۶۰ق)

احمد بن ابراهیم اسماعیلی (م ۳۷۱ق)

محمد بن ابراهیم ابن مقرئ (م ۳۸۱ق)

محمد بن اسحاق بن منده (م ۳۹۵ق)

عبد بن احمد، ابوذر هروی (م ۴۳۴ق)

حسن بن احمد بن ابراهیم بن شاذان (م ۴۲۶ق)

احمد بن عبدالله ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ق)

حسن بن احمد، ابوعلی حداد اصفهانی (م ۵۱۵ق)

این شیوه تألیف که یکی از روش‌های نگارش در علوم حدیث است تا عصر حاضر استمرار

یافته است. به گونه‌ای که شماری از دانشمندان متأخر در ذیل شرح حال‌نگاری اساتید خویش، به ذکر روایات و اسناد ایشان در هنگام تدریس در مدارس علمیّه دینی پرداخته‌اند. دقیقاً به همان شیوه که سلف صالح اقدام می‌کردند.

بایسته است به این نکته اشاره شود که بیشتر تألیفاتی که به این سبک و یا سبک‌های پیشین نگاشته شده است، در طول تاریخ به دلایل متعددی که اکنون جای بحث آن نیست، از بین رفته است و این فقدان آثار، خسارتی بزرگ در تاریخ دانش‌های عربی - اسلامی است.

۱۰- سبک هشتم: تاریخ شهرها'

اهتمام اولیه محدّثان بر آن بود تا هر آنچه از احادیث شریف نبوی مورد توجّه و علاقه بود را برای حفظان ثبت و تدوین کنند. پس از تدوین‌های بسیط اولیه، نگارش‌های پسینی به تنظیم، ترتیب و تبویب اختصاص داشت. پس از آنکه کتاب‌های حدیثی از استواری لازم برخوردار شد و اندیشه‌های علمی در جامعه علمی - حدیثی مستقر شد؛ بسیاری از عالمان به سوی آفرینش سبک‌های جدید در دانش رجال - تاریخ شهرها - روی آوردند.

بعد از آنکه طبری در کتاب تاریخ معروف خود، اسامی بزرگان جهان اسلام را ذکر کرد، می‌بینیم که کمتر از یک قرن پس از وی خطیب بغدادی دست به قلم می‌شود و تاریخ مستقلی برای شهر خود، بغداد، می‌نگارد. او در این کتاب، تنها به ذکر روایان اهالی بغداد و یا ساکن در آنجا پرداخته است، بلکه اسامی روایان غیر بغدادی را که وارد بر شهر شده و در آنجا سکنی گزیده‌اند و یا روایانی را که برای تجارت و یا حج از آن شهر هم عبور کرده‌اند نیز پرداخته و اسامی ایشان را در تاریخ بغداد آورده است.

بنا بر آنچه گذشت، باید گفت که شمار قابل توجهی از دانشمندان ما در تدوین تاریخ شهر خود اهتمام داشته‌اند، حال چه شهری که موطن اصلی آنها بوده و یا شهری که در آن ساکن شده و از موطن خویش به آنجا هجرت کرده بودند. روشن است مؤلفانی که به تدوین تاریخ شهر خویش پرداخته‌اند از دیگران نسبت به شناخت عالمان مرز و بوم خویش داناترند. چرا که آنها پرورش‌یافته همان منطقه بوده و از اساتید و عالمان شهر خویش بهره برده و آنها را به خوبی

می‌شناختند. همچنین راویان ثقه منطقه خود را که در نقل روایات، اعتماد به ایشان صحیح است را می‌شناسند. از این رو اهمیت این کتاب‌ها آشکار می‌شود. این سبک نگارشی تا پس از قرن دهم هجری استمرار داشت. با توجه به فزونی تألیف به سبک تاریخ شهرها، تنها به یادکرد شماری از آنها در این مقاله بسنده می‌کنیم:

- اخبار مرو، احمد بن سیار بن ایوب مروزی (م ۲۶۸ق)
 تاریخ قزوین، محمد بن یزید ابن ماجه قزوینی (م ۲۷۳ق)
 تاریخ واسط، اسلم بن سهل بحشل واسطی (م ۲۸۸ق)
 تاریخ بلخ، عبدالله بن محمد بن علی بلخی (م ۲۹۴ق)
 تاریخ الحمصیین، احمد بن محمد بن عیسی بغدادی (متوفای قرن سوم)
 تاریخ حران، حسین بن محمد بن مودود ابی عروبة الحرانی (م ۳۱۸ق)
 کتاب الجزيرة، حسین بن محمد بن مودود ابی عروبة حرانی (م ۳۱۸ق)
 کتاب الرقة، حسین بن محمد بن مودود ابی عروبة حرانی (م ۳۱۸ق)
 تاریخ نيسابور، عبدالله بن جارود نيشابوری (م ۳۲۰ق)
 تاریخ حمص، عبدالصمد بن سعید بن علی حمصی (م ۳۲۴ق)
 طبقات علماء أفريقية و تونس، محمد بن احمد بن تمیم قیروانی (م ۳۳۳ق).^۱
 تاریخ هراة، احمد بن محمد بن یاسین حداد هروی (م ۳۳۴ق)
 طبقات العلماء و المحدثین من اهل الموصل، زکریا یزید بن محمد بن ایاس ازدی (م ۳۳۴ق)^۲
 تاریخ مکه، ابی سعید احمد بن محمد بن زیاد ابن اعرابی (م ۳۴۰ق)
 تاریخ البصرة، ابوسعید بن محمد بن زیاد ابن اعرابی (م ۳۴۰ق)
 کتاب محدثی بغداد، محمد بن عمر بن سلم ابن جعابی حافظ (م ۳۵۵ق)

۱. به نظر می‌رسد اگر این کتاب در بخش طبقات - که پیشتر گذشت - فهرست می‌شد، مناسب‌تر بود تا در بخش تاریخ شهرها. (مترجم).

۲. به نظر می‌رسد اگر این کتاب در بخش طبقات - که پیشتر گذشت - فهرست می‌شد، مناسب‌تر بود تا در بخش تاریخ شهرها. (مترجم).

- تاریخ اصبهان، حمزه بن حسین اصفهانی (م ۳۶۰ق)
 تاریخ استرآباد، عبدالرحمن بن محمد ادریسی حافظ (م ۴۰۵ق)
 تاریخ بخاری، محمد بن احمد بن محمد بن سلیمان بخاری (م ۴۱۲ق)
 تاریخ مصر، یحیی بن علی حضرمی ابن طحان (م ۴۱۶ق)
 تاریخ جرجان، حمزه بن یوسف سهمی (ت ۴۲۷ق)
 تاریخ بغداد، احمد بن علی بن ثابت بغدادی (م ۴۶۳ق)

جمع‌بندی^۱

دانش رجال در اهل سنت، دارای پیشینه‌ای طولانی است. تألیف دهها و بلکه صدها عنوان کتاب در دانش رجال، خود گویای تلاش علمی نویسندگان و رجالیان در این عرصه است. رجال پژوهان در رویارویی با کتاب‌های رجالی متعدّد در این عرصه با نوعی سردرگمی روبرو می‌شوند. چه اینکه سبک‌های نگارشی و دامنه‌های پژوهشی رجال پژوهان کهن، بسیار متفاوت و متعدّد بوده است. در مقاله پیش رو، بنا بر این بود تا تألیفات رجال پژوهان، سبک‌شناسی و گونه‌شناسی شود. این گونه‌شناسی سبب می‌شود تا پژوهشگران در این عرصه بهتر و سریعتر به مقصود خود دست یابند. در این پژوهش، مجموعه کتاب‌های رجالی اهل سنت را در هشت گروه عرضه کردیم. بر این باوریم که هیچ اثر از آثار رجالیان وجود ندارد مگر آنکه در اینگونه‌ها قابل جایابی است. البته آنچه این قلم به دنبال آن بوده پژوهش‌های رجالیان پیشین است و گرنه در عصر حاضر نیز شاهد تلاش‌هایی در عرصه جرح و تعدیل و دانش رجال در دانشگاه‌های بزرگ دنیای اسلام هستیم. تألیف کتب تحقیقی، راوی‌شناسی، نگارش‌های انتقادی، درسنامه و دهها پایان‌نامه و رساله شاهد این مدعا است. در این مقاله تلاش‌های رجالیان پیشین را در هشت گروه ارائه کردیم:

شناخت‌نامه صحابه؛

طبقات‌نگاری؛

۱. مقاله اصلی نویسنده (دکتر مکی خلیل حمّود) فاقد نتیجه‌گیری و جمع‌بندی است ولی برای رعایت روش‌های مقاله‌نویسی در ایران، این بخش به پیشنهاد ارزیاب محترم به صورت مختصر از ناحیه مترجم افزوده شد.

جرح و تعدیل؛
اسامی، کنیه و القاب نویسی؛
مُؤتَلَف و مُخْتَلَف نگاری؛
وفیات نویسی؛
معجم شیوخ نویسی؛
تاریخ شهرها.

برخی از این سبک‌ها، برخاسته از مبانی فکری و اعتقادی اهل سنت است. مانند سبک شناخت‌نامه صحابه که با توجه به باور ایشان بر عدالت صحابه، شناسایی اصحاب برای این منظور ضرورت دارد. خاستگاه شماری دیگر از سبک‌ها نیاز علمی در بررسی اسناد است؛ مانند طبقات نگاری و پاره‌ای دیگر به جهت پراکندگی راویان نگارشش ضرورت یافته است که می‌توان رجال شهرها را از این دست دانست. گفتنی است شاید برخی از سبک‌ها از ضرورت کمتری برخوردار بوده است ولی از آنجا که شماری از نویسندگان به آن روی آورده‌اند در جهان دانش، رشد یافته است، مانند سبک معجم شیوخ نویسی. و البته نباید اهمیت شماری از سبک‌ها را در پهنه رجال نادیده گرفت که بدون آنها سندشناسی اسناد ممکن نیست؛ مانند جرح و تعدیل و طبقات نویسی.

منابع

كتابها:

١. ابن حجر العسقلاني، احمد بن على (١٩٣٩م). الأصابة فى تمييز الصحابة. مصر: المكتبة التجارية.
٢. ابن عبد البرّ، يوسف بن عبد الله (بى تا). الإستيعاب فى معرفة الأصحاب. تحقيق: على محمد البجاوى، قاهرة: مكتبة نهضة مصر.
٣. ابن نديم، ابوالفرج محمد بن ابى يعقوب (١٩٧١م). الفهرست. تحقيق: رضا تجدد.
٤. بروكلمان، كارل (١٩٧٧م). تاريخ الأدب العربى. ترجمه: عبدالحليم التجار، مصر: دارالمعارف، الطبعة العربية و الاعلامية.
٥. جابر خليفه، ابن عبد الله (١٩٤١م). كشف الظنون عن اسامى الكتب و الفنون. استانبول.
٦. خطيب بغدادى، ابوبكر احمد بن على (بى تا). تاريخ بغداد. بيروت: دارالكتب العربى.
٧. ذهبى، محمد بن احمد بن عثمان (بى تا). تذكرة الحفاظ. دار احياء التراث العربى.
٨. _____ (١٩٦١م). تاريخ الإسلام. مصر، چاپ ششم.
٩. سزگين، فؤاد (بى تا). تاريخ التراث العربى، قاهرة.
١٠. منذرى، زكى الدين ابو محمد عبد العظيم (١٩٦٩م). التكملة لوفيات الثقلة. تحقيق: بشّار عوّاد معروف، التجف الأشرف.
١١. نمسارى، شمس الدين محمد بن عبد الرحمن (١٩٦٣م). الإعلان بالتوبيخ لمن ذم التاريخ. تحقيق: روزنتال، ترجمه: احمد صالح العلى، بغداد.

مقالات:

١٢. بشّار عوّاد معروف، «الوفيات و اهميتها فى دراسة التاريخ الاسلامى»، مجلة كلية الدراسات الإسلامية، شماره ٢، ١٩٦٨م.
١٣. مكى خليل حمّود، فصلنامه علمى پژوهشى «كلية الفقه»، دانشگاه كوفه، شماره ٧، ٢٠٠٨ م: ص ٢٥١ - ٢٦٩.



پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرښکته
پرتال جامع علوم انساني